



اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

درس ۳۷

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای حمید نقی زاده سی سخت

شهید صدر (ره) رکن سوم قاعده استصحاب را وحدت قضیه متیقن و مشکوک می‌داند و اگر این دو قضیه وحدت نداشته باشند در حقیقت استصحاب از قوام لازم برخوردار نبوده و امکان جریان نخواهد داشت. البته درباره این رکن در هر دو شبهه حکمی و موضوعی اختلاف نظر و اشکالاتی بین اصولیون وجود دارد که در این سلسله دروس به آن پرداخته خواهد شد.

در این درس رکن سوم و تطبیق آن بر شبهه‌های موضوعی، مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

[وحدة القضية المتيقنة و المشكوكة:

و هذا هو الركن الثالث . و قد طبق هذا الركن على الاستصحاب الجارى فى الشبهات الموضوعية، و على الاستصحاب الجارى فى الشبهات الحكمية، و واجه فى كل من المجالين بعض المشاكل و الصعوبات كما نرى فيما يلى:]
أولاً: تطبيقه فى الشبهات الموضوعية

جاء فى إفادات الشيخ الأنصارى (قدس الله روحه) التعبير عن هذا الركن بالصياغة التالية : انه يعتبر فى جريان الاستصحاب إحراز بقاء الموضوع إذ مع تبدل الموضوع لا يكون الشك شكاً فى البقاء، فلا يمكنك مثلاً ان تستصحب نجاسة الخشب بعد استحالته و صيرورته رماداً، لأن موضوع النجاسة المتيقنة لم يبق. و هذه الصياغة سببت الاستشكال فى جريان الاستصحاب فيما إذا كان المشكوك أصل وجود الشيء بقاءً، لأن موضوع الوجود الماهية و لا بقاء للماهية الا بالوجود، فمع الشك فى وجودها بقاءً لا يمكن إحراز بقاء الموضوع، فكيف يجرى الاستصحاب؟ و كذلك سببت الاستشكال أحياناً فيما إذا كان المشكوك من الصفات الثانوية المتأخرة عن الوجود كالعدالة، و ذلك لأن زيدا العادل تارة يشك فى بقاء عدالته مع العلم ببقائه حياً، ففى مثل ذلك يجرى استصحاب العدالة بلا إشكال، لأن موضوعها و هو حياة زيد معلوم البقاء. و أخرى يشك فى بقاء زيد حياً و يشك أيضاً فى بقاء عدالته على تقدير حياته، و فى مثل ذلك كيف يجرى استصحاب بقاء العدالة مع ان موضوعها غير محرز؟ و هذه الاستشكالات نشأت من الصياغة المذكورة و هى لا مبرر لها. و من هنا عدل صاحب الكفاية عنها إلى القول بان المعتبر فى الاستصحاب وحدة القضية المتيقنة و المشكوكة، و هى محفوظة فى موارد الاستشكال الآتفة الذكر، و اما افتراض المستصحب عرضاً و افتراض موضوع له و اشتراط إحراز بقاءه، فلا موجب لذلك.

تطبیق رکن سوم در شبهات موضوعیه

موضوع بحث، رکن سوم استصحاب؛ یعنی وحدت قضیه متیقن و مشکوک است. برای مثال اگر یقین بیزید عالم داریم باید شک به همان زید عالم داشته باشیم. شیخ اعظم انصاری (ره) در کتاب رسائل، رکن سوم را احراز بقای موضوع مستصحب می‌داند. از دید ایشان مستصحب یک عرض است که نیاز به موضوع دارد؛ مانند سفیدی که نیاز به موضوعی دارد یا حرمت گوشت خرگوش که نیاز به وجود خرگوش است تا حرمت به آن تعلق بگیرد. بنابراین استصحاب عرض وقتی امکان دارد که بقاء موضوع آن احراز شده باشد. تفاوت موضوع در زمان یقین و شک باعث می‌شود که شک، «شک در بقاء» محسوب نگردد. برای مثال در خاکستری که از سوختن یک چوب نجس بدست آمده نمی‌توان، استصحاب نجاست کرد؛ زیرا دیگر موضوعی باقی نمانده است و موضوع نجاست که چوب بوده است از بین رفته است.

متن عربی و نکات تطبیقی

جاء فی إفادات الشیخ الأنصاری (قدس الله روحه) (۱) التعبير عن هذا الركن (۲) بالصياغة التالية: انه يعتبر فی جریان الاستصحاب احراز بقاء الموضوع إذ مع تبدل الموضوع لا يكون الشك شكاً فی البقاء، فلا يمكن مثلاً ان تستصحب نجاسة الخشب بعد استحالته و صيرورته رماداً (۳)، لأن موضوع النجاسة المتیقنة لم یبق

۱. آدرس: فرائد الاصول، ج ۳، ص ۲۹۰ و ۲۹۱.

۲. یعنی: رکن سوم.

۳. یعنی: خاکستر.

Sc01: ۶:۵۶

اشکالات دیدگاه شیخ در مورد دکن سوم

بر اساس تقریر شیخ انصاری (ره)، تطبیق رکن سوم بر استصحاب جاری در شبهات موضوعیه با مشکلاتی مواجه می‌شود. اولین مشکل در اثبات اصل وجود شیء که یک استصحاب موضوعی است، نمایان می‌شود. در فلسفه، موضوع وجود را ماهیت می‌دانند و وجود انسان عرضی ماهیت انسان است. در بیان شیخ انصاری (ره) باید موضوع مستصحب احراز شود و مستصحب وجود شیء است. از طرف دیگر ماهیت معروض وجود است و ماهیت بدون وجود بقایی ندارد؛ یعنی شک ما در بقای وجود ماهیت، شک در بقای خود ماهیت است و با شک در بقای وجود یک شیء، احراز بقای ماهیت آن ممکن نیست. پس از دیدگاه شیخ انصاری (ره) استصحاب وجود ممکن نیست. اما اشکال دوم، طبق این دیدگاه، در استصحاب صرفی از صفات ثانوی شیئی که شک در بقای آن داریم، بروز می‌کند. صفات ثانوی به صفاتی اطلاق می‌شود که ثبوت آن‌ها فرع بر وجود شیء است؛ تا شیء موجود نباشد صفت بر آن مترتب نخواهد بود؛ تا انسان نباشد عدالت آن بی‌معناست. اگر بخواهیم عدالت زید را استصحاب کنیم باید اصل وجود زید محرز باشد و تا وجود زید مشکوک است، استصحاب ممکن نیست. زیرا در رکن سوم یعنی احراز موضوع مستصحب مشکل داریم.

متن عربی و نکات تطبیقی

و هذه الصياغة سببت الاستشكال في جريان الاستصحاب فيما إذا كان المشكوك أصل وجود الشيء بقاءً، لأن موضوع الوجود الماهية و لا بقاء للماهية الا بالوجود، فمع الشك في وجودها بقاءً لا يمكن إحراز بقاء الموضوع، فكيف يجري الاستصحاب؟ و كذلك سببت الاستشكال أحياناً (۱) فيما إذا كان المشكوك من الصفات الثانوية المتأخرة عن الوجود كالعدالة، و ذلك لأن زيداً العادل تارة يشك في بقاء عدالته مع العلم ببقائه (۲) حياً (۳)، ففي مثل ذلك يجري استصحاب العدالة بلا إشكال، لأن موضوعها و هو حياة زيد معلوم البقاء. و أخرى يشك في بقاء زيد حياً و يشك أيضاً في بقاء عدالته على تقدير حياته، و في مثل ذلك كيف يجري استصحاب بقاء العدالة مع ان موضوعها غير محرز؟

۱. یعنی: قضیه دو حالت دارد حالت اول از عبارت تاره تشک و حالت دوم از عبارت اخرى يشك توضیح داده می شود.

۲. مرجع ضمیر: زيد

۳. حال از ضمیر بقاءه.

Sco۲: ۱۶:۲

نظر صاحب کفایه درباره رکن سوم

اشکالات وارد شده بر رکن سوم از دیدگاه شیخ انصاری (ره)، باعث شد که شاگرد ایشان محقق خراسانی شکل دیگری از رکن سوم ارائه نمایند که وحدت دو قضیه متیقن و مشکوک است. با این بیان دیگر دو اشکال مطرح شده، حل خواهند شد.

در اشکال اول، شک در اصل وجود زيد داشتیم. اما چون در اینجا هر دو قضیه یکی هستند؛ یعنی یقین داریم که زيد زنده بوده و الان شک داریم که هنوز زنده است یا نه. پس هر دو قضیه متیقن و مشکوک یکی است، هر دو قضیه راجع به زنده بودن زيد است.

در اشکال دوم نیز مشکلی نخواهیم داشت؛ زیرا به عدالت زيد یقین داشتیم و اکنون شک ما در همین عدالت زيد است. از آنجایی که دلیلی برای التزام به نظر شیخ انصاری (ره) نداریم، محقق خراسانی رکن سوم را به این شکل جدید ارائه نمودند و دیدگاه شیخ انصاری (ره)، کنار گذاشته می شود.

متن عربی و نکات تطبیقی

و هذه الاستشکالات نشأت من الصياغة المذكورة و هي لا مبرر (۱) لها. و من هنا عدل صاحب الكفاية عنها إلى القول بان المعتبر في الاستصحاب وحدة القضية المتيقنة و المشكوكة، و هي محفوظة في موارد الاستشكال الآنفه الذكر (۲)، و اما افتراض المستصحب عرضاً و افتراض موضوع له و اشتراط إحراز بقاءه (۳)، فلا موجب لذلك.

۱. یعنی: هیچ توجیهی ندارد، نه پشتوانه روایی دارد نه عقلانی.

۲. صفت موارد.

۳. مرجع ضمیر: موضوع.

Sco۱: ۲۰: ۵۳

چکیده:

۱. شیخ اعظم انصاری (ره) رکن سوم را احراز بقای موضوع مستصحب می‌داند.
۲. از دید شیخ انصاری (ره) مستصحب یک عرض است که نیاز به موضوع دارد؛ مانند سفیدی که نیاز به موضوعی دارد.
۳. براساس نظر شیخ انصاری (ره) در تطبیق رکن سوم بر استصحاب جاری در شبهات موضوعی مشکلاتی بروز می‌کند که عبارتند از:
 - الف- استصحاب وجود ممکن نیست.
 - ب- در استصحاب صرفی از صفات ثانوی شیئی که شک در بقای آن داریم، بروز می‌کند.
 ۴. به سبب مشکلات ناشی از تقریر شیخ انصاری، صاحب کفایه رکن سوم را با تعبیر «وحدت قضیه مشکوکه و متیقنه» مطرح نموده است.